

## با نام و یاد او

### طرح کرسی ترویجی

#### تعهد به تضمین رعایت حقوق بشردوستانه و مبانی اسلامی آن

مصطفی فضائی

#### تعهد به تضمین در حقوق بین‌الملل بشردوستانه

یکی از قواعد عرفی لازم‌الرعایه عبارت است از تعهد به رعایت و تضمین رعایت<sup>۱</sup> حقوق بین‌الملل بشردوستانه که مضمون ماده یک مشترک در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو (۱۹۴۹) است که به موجب آن نه تنها هر طرف مخاصمه نسبت به اشخاص یا گروه‌های تحت فرماندهی، هدایت یا کنترل خود موظف است بلکه دولت‌های غیرطرف مخاصمه هم متعهد به تلاش برای رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه توسط طرف‌های درگیر مخاصمه می‌باشند، البته این تعهد نوعی تعهد به وسیله است، نه به نتیجه.

ماده یک مشترک امروزه عمدتاً به منزله یک قاعده شبه‌اساسی حقوق بین‌الملل است که بر دکنترین تعهدات ارگامینس استوار است و همه دول عضو را متعهد می‌کند به اتخاذ تدابیر متعددی در جهت وادار کردن نه تنها ارگان‌های دولت و اشخاص خصوصی تحت صلاحیت خود بلکه دیگر دول عضو، به رعایت کنوانسیون‌های ژنو.<sup>۲</sup> ماده یک مشترک به ظاهر مطابق با قاعده عمومی «لزوم وفای به عهد»،<sup>۳</sup> یادآور تعهدات مثبت و منفی برای رعایت کنوانسیون‌های ژنو است، اما این ماده به نحو مترقیانه‌ای بیانگر لزوم صرف هزینه برای اتخاذ اقداماتی قانونی برای وادار کردن متجاسران به رعایت کنوانسیون‌هاست.<sup>۴</sup> دو تفسیر متفاوت از ماده ۱ مشترک کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ ارائه شده است. یکی تفسیر مضیق و دیگری تفسیر موسع. در تفسیر مضیق منظور از تضمین رعایت کنوانسیون عبارت از رعایت توسط افراد و ارگان‌های داخل قلمرو کشور عضو است، اما در تفسیر موسع تضمین شامل دولت‌ها هم می‌شود. امروزه تفسیر اخیر بیشتر رایج به نظر می‌رسد. زیرا تعهد

---

1. respect and ensure respect

2. Garlo Focarelli, "Common Article 1 of the 1949 Geneva Conventions: A Soap Bubble?", The European Journal of International Law, vol. 21, no. 1, EJIL 2010, Downloaded from: <http://ejil.oxfordjournals.org> at New York University, on May 4 2010, p.125.

3. General Pacta Sunt Servanda Rule

4. Ibid., p.126.

به رعایت که در حقیقت بیان همان اصل وفای به عهد است شامل تعهد دولت عضو به اتخاذ هرگونه اقدام لازم برای رعایت توسط نهادها و اشخاص درون قلمرو آن است و مراد از تعهد دولت به تضمین رعایت عبارت از تعهد همه دول برای اتخاذ هر امری است که در اختیار دارند برای وادار کردن دولت متخلف به تن در دادن به کنوانسیونها. با فرض عرفی بودن و ارگامنس بودن معیارهای حقوق بین الملل بشردوستانه همه دولت ها ذی حق تلقی می شوند در تضمین این که هر دولت دیگری حقوق بین الملل بشردوستانه عرفی را رعایت کند و همه این تکلیف را دارند.<sup>5</sup>

اما در مفهوم «تضمین رعایت»<sup>6</sup> و نیز مفهوم عبارت «در همه شرایط»<sup>7</sup> ابهاماتی وجود دارد. روشن نیست که آیا ماده ۱ مشترک تکلیفی را مقرر می کند یا اختیاری را برای اتخاذ اقداماتی علیه دولت متخلف پیش بینی می کند و یا هر دو؟ همچنین روشن نیست با فرض تفسیر موسع، دولت های متعاقد چه نوع اقدامات خاصی را باید، یا مجازند، انجام دهند؟ روشن نیست اقدامات دول ثالث علیه متخلف واقعا تا چه اندازه راه حلی عملی و موثر خواهد بود؟ وانگهی اگر دول ثالث تعهد به واکنش دارند، در حالی که هنوز عموما از چنین تعهدی استقبال نکرده اند، چنین تفسیری چقدر معنا دار خواهد بود؟ و حتی اگر دول ثالث مطابق با دکترین تعهدات ارگامنس اقداماتی علیه متخلفان انجام دهند نقش ماده ۱ مشترک فی نفسه چه خواهد بود؟ در مجموع به نظر می رسد تفسیر موسع نهایتا می تواند ماده ۱ مشترک را به الگویی همانند دکترین تعهدات ارگامنس بدل کند.

## رهیافت اسلامی

قواعد حقوق بشردوستانه اسلام بخشی از فقه و شریعت اسلامی و در زمره احکام الهی است که پیش از آن که عهد و پیمان یا عرفی در این زمینه میان اقوام و ملل شکل گرفته باشد، به عنوان عهد الهی برای مسلمانان و دولت اسلامی ایجاد الزام نموده است. بنابراین تردیدی نیست که دولت اسلامی و هر مسلمانی در مخاصمات مسلحانه موظف به رعایت قواعد و احکام انسان دوستانه اسلام است. به این منظور دولت اسلامی وظیفه دارد همه

---

<sup>5</sup> Cf. Palwankar, 'Measures Available to States for Fulfilling their Obligation to Ensure Respect for International Humanitarian Law', 298 *International Review of the Red Cross (IRRC)*(1994) 9; *ibid.*, 'Measures auxquelles peuvent recourir les Etats pour remplir leur obligation de faire respecter le droit international humanitaire', 805 *Revue internationale de la Croix-Rouge* (1994) 11; alwankar, 'Measures Available to States', at 1; *ibid.*, 'Measures', at 12.

6. Ensure respect

7. in all circumstances

تدابیر و اقدامات مقتضی و بایسته را به عمل آورد تا نسبت به پایبندی سربازان و رزمندگان خود به موازین فقهی و بلکه اخلاقی اسلام در حین مخاصمه مسلحانه و پس از آن به ویژه در رفتار با اسرای جنگی و افراد غیر نظامی دشمن، اطمینان حاصل کند. از همین روی بوده است که اغلب هنگام اعزام نیروهای مسلمان به نبرد با دشمن و یا در موقعیت‌های مناسب دیگر، رهبران و فرماندهان مسلمان به یادآوری و بیان احکام و قواعد حقوقی و اخلاقی اسلام در باره شیوه مبارزه و چگونگی رفتار با دشمن در شرایط گوناگون مخاصمه و حتی نحوه برخورد با و بهره‌برداری از منابع و عناصر محیط زیست، همچنین برخورد با مواردی که نقض موازین فقهی و اخلاقی در مخاصمه مسلحانه رخ می‌داد، مبادرت می‌ورزیدند. فرامین و توصیه‌های پیامبر بزرگ اسلام، صلی‌الله‌علیه و آله، و امیرمؤمنان علی، علیه السلام، از نمونه‌های بارز در این زمینه است.<sup>۸</sup>

اما در باره این مساله که آیا در مواردی که دولت اسلامی طرف مخاصمه نیست، نسبت به وادار کردن طرفهای جنگ به رعایت قواعد و موازین بشردوستانه تکلیفی متوجه دولت اسلامی و مسلمانان می‌شود یا نه، باید به بررسی موضوع در منابع و ادله شرعی پرداخته شود. با تامل در برخی ادله نقلی و عقلی می‌توان ادعا و اثبات کرد که از نگاه اسلام دولت اسلامی و مسلمانان نه تنها خود ملزم به رعایت قواعد و احکام انسان‌دوستانه اسلامی در مخاصمات مسلحانه‌ای که درگیر آن می‌شوند هستند، بلکه مکلفند تا آنجا که ممکن است در برابر هرگونه نقض این موازین از سوی طرف‌های درگیر در هر مخاصمه‌ای واکنش نشان داده و در جهت جلوگیری از تعدی و تجاوز از مرز اخلاق و انسانیت بکوشند. اصل یاری‌رسانی به افراد تحت ستم و اصل تعاون از جمله این ادله هستند که باید به تبیین چگونگی دلالت این اصول بر تعهد به تضمین رعایت حقوق بشردوستانه پرداخته شود.

---

<sup>۸</sup>. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۳۸، ح ۲۳۱ و ص ۱۵۳؛ سنن ابی‌داوود، ج ۱، ح ۵۸۸؛ ح ۲۶۱۴؛ کنز العمال، ج ۴، صص ۲۳۳، ۳۰۳ و ۳۰۴؛ دعائم الاسلام، ج ۱، صص ۳۷۱ و ۳۷۶؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۸۹؛ البدایه و النهایه، ج ۴، ص ۲۹۷؛ بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۶۵؛ سنن الکبری، ج ۱۸، ص ۱۴؛ سنن الکبری، ج ۹، ص ۲۶؛ کافی، ج ۵، ص ۳۵؛ اسدالغابه، ج ۳، ص ۴۷؛ البلاذری فی الانساب الاشراف، ج ۲، صص ۳۷۵ و ۴۸۶؛ تاریخ واسط، ص ۱۶۵؛ سرخسی، المبسوط، ج ۱۰، ص ۱۲۶؛ حیاة الصحابه، ص ۸۹.